

بررسی چالش‌ها و تکاپوهای تبعیدیان حزب توده ایران در جزیره خارک

(۱۳۲۷-۱۳۳۷ هـ ش)

مرضیه سعادت‌مند^۱ / حسن الهیاری^۲

چکیده

جزیره خارک در عصر حکومت محمدرضا پهلوی میزبان تبعیدیانی از حزب توده ایران بود. جریانی که به نوعی منسجم‌ترین تشکل سیاسی کشور به شمار می‌رفت. عمده آنها زندگی در یک محیط جزیره‌ای با حداقل امکانات و شرایط طبیعی طاقت‌فرسا را تاکنون تجربه نکرده بودند. بدین ترتیب زندگی آنها با سابقه‌ای از فعالیت سیاسی ضد رژیم حاکم، با چالش‌هایی مواجه بود. این پژوهش در پی آن است تا ضمن بررسی چالش‌های تبعیدیان حزب توده در چارچوب شرایط طبیعی - امنیتی جزیره خارک در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۷ هـ.ش. اقداماتشان برای غلبه بر آن چالش‌ها را تبیین نماید. بنابراین پرسش پژوهش پیش‌رو این است که: زندگی تبعیدیان حزب توده ایران در جزیره خارک بین سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۷ هـ.ش. تحت تأثیر چه عواملی بوده و آنها چه اقداماتی برای غلبه بر چالش‌های خود انجام دادند؟ این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، اسناد آرشیوی، نشریات و داده‌های مبتنی بر تاریخ شفاهی انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد زندگی تبعیدیان وابسته به حزب توده در جزیره خارک در زمان مذکور آمیزه‌ای از تمامی محرومیت‌های جغرافیایی جزیره و محدودیت‌های تأمینی و تأدیبی بود. اما آنها توانسته بودند با بهره‌گیری از تنوع قابلیت‌های تخصصی خود، کادرسازی و تقسیم مسئولیت‌ها و تعامل با جامعه کوچک بومیان خارک، بر مشکلات خود فائق آیند و تا حدودی از محدودیت‌های خود در تبعیدگاهی امنیتی بکاهند و محیط جزیره را برای ادامه حیات خود مناسب‌تر کنند.

واژه‌های کلیدی: حزب توده ایران، تبعید، جزیره خارک، دوره پهلوی دوم، حیات اجتماعی.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. marziyehsaadatmand72@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول) hasanallahyari@pgu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ نوع مقاله: پژوهشی

Examining the challenges and struggles of the Tudeh Party of Iran exiles in Khark Island (1327-1337 AH)

Marziyeh Saadatmand¹/ Hassan Aallahyari²

Abstract

During the reign of Mohammad Reza Pahlavi, Khark Island hosted several exiles from the Tudeh Party of Iran. A movement that was considered to be the most coherent political organization in the country. Most of them had not experienced living in an island with minimal facilities and exhausting natural conditions. Thus, their lives faced challenges because of political activity against the ruling regime. This research seeks to examine the challenges of Tudeh Party exiles in the framework of the natural-security conditions of Khark Island between 1948 and 1958 and explain their actions to overcome those challenges. Therefore, the question of this research is: What factors influenced the life of Tudeh Party of Iran exiles in Khark Island between 1948 and 1958 and what measures did they take to overcome their challenges? This article is done in a descriptive-analytical way, relying on library sources, archival documents, publications and data based on oral history. The results of this research show that the life of the Tudeh party exiles in Khark Island at the mentioned time was a mixture of all the geographic deprivations of the island and security and disciplinary restrictions. But they were able to overcome their problems by using the diversity of their specialized capabilities, staffing and sharing responsibilities, and interacting with the small community of Khark natives, and to some extent reduce their limitations in a security exile and make the island's environment more suitable for their continued existence.

Keywords: Tudeh Party of Iran, exile, Khark Island, Pahlavi II period, social life.

۱. Master's degree in History of Persian Gulf Studies, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University. marziyehsaadatmand72@gmail.com
۲. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University (corresponding author) hasanallahyari@pgu.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

با روی کار آمدن رضاشاه و تأسیس حکومت پهلوی در سال ۱۳۰۴ هـ. ش. و در پی آن تلاش رضاشاه برای ایجاد یک حکومت یکپارچه و همچنین اقداماتی در جهت نوسازی کشور، ایران وارد مرحله نوینی از نظام اداری شد. یکی از ابعاد این تحول، پی‌ریزی نظام قضایی و ذیل آن نهاده‌تر شدن امر تبعید بود. از طرفی، با اشاعه افکار جدید سیاسی و تأسیس احزاب مختلف از طیف‌های گوناگون در جامعه، ناشی از تحولات داخلی و خارجی، مخالفت‌های زیادی با حکومت وقت در اشکال مختلف ظهور پیدا کرد. بدین ترتیب، حکومت پهلوی در اواخر دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ هـ. ش. درگیر کنترل و مدیریت مخالفان خود به هر طریق ممکن بود. به همین منظور حکومت پهلوی برای مجازات مخالفان خود به‌جز مجازات‌های مرسوم، به مجازات تبعید توجهی دوچندان داشت.

بدین منظور و در راستای اتخاذ این‌گونه مجازات، مناطق مختلفی از کشور به‌عنوان تبعیدگاه انتخاب شدند که از آن جمله می‌توان به دژ برازجان، بندرعباس، کرمان و قلعه فلک‌الافلاک اشاره کرد. جزیره خارک نیز از جمله مناطقی بود که در این دوره به‌عنوان تبعیدگاه مورد توجه فراوان حکومت قرار گرفت؛ جزیره‌ای دورافتاده که در سال ۱۳۱۲ هـ. ش. در زمان رضاشاه به‌عنوان محلی برای تبعید یا نگهداری محکومان به حبس ابد در نظر گرفته شده بود و در زمان محمدرضا شاه نیز به‌عنوان تبعیدگاه مخالفان و مجرمان سیاسی مورد استفاده قرار گرفت.

بررسی مقدماتی نشان می‌دهد عمده تبعیدیان به این جزیره در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ هـ. ش. منتسب به حزب توده ایران بوده‌اند. جریانی که شاید بتوان گفت متشکل‌ترین و منسجم‌ترین گروه در کادرسازی و ایجاد یک شبکه اجتماعی در تاریخ معاصر ایران بوده است. زندگی در جزیره دورافتاده و نسبتاً ناشناس خارک برای گروهی که براساس شواهد، بومی مناطق مرکزی و شمالی کشور بوده و فاقد کمترین شناخت از زندگی در اقلیم جنوب آن هم یک محیط جزیره‌ای بودند و قبلاً سابقه‌ای از فعالیت گسترده سیاسی - اجتماعی را در کارنامه خود داشتند، می‌توانست چالش‌هایی جدی به همراه داشته باشد. آنچه بر ضرورت این پژوهش می‌افزاید این است که تبعیدیان فوق به صورتی یکدست از یک طیف فکری و سیاسی پیروی می‌کردند. مقوله‌ای که احتمالاً می‌توانست جلوه‌ای

متفاوت به تبعید به خصوص در بُعد امنیتی دهد. بر همین اساس، این پژوهش با آگاهی‌های مقدماتی در پی آن است تا ضمن بررسی چالش‌های تبعیدیان حزب توده در چارچوب شرایط طبیعی - امنیتی جزیره خارک در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۷ ه.ش^۱، اقدامات آنان برای غلبه بر آن چالش‌ها را به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد، نشریات، منابع مکتوب و مصاحبه در قالب تاریخ شفاهی بررسی و تبیین نماید. بنابراین پرسش پژوهش پیش‌رو این است که:

زندگی تبعیدیان حزب توده ایران در جزیره خارک بین سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۷ ه.ش. تحت تأثیر چه عواملی بوده و آنها چه اقداماتی برای غلبه بر چالش‌های خود انجام دادند؟
پژوهش بر این فرضیه استوار است که شرایط جغرافیایی خاص جزیره خارک به‌علاوه تأمین امنیت آسان جزیره شرایطی دشوار را برای تبعیدیان حزب توده فراهم کرده بود. با این حال آنها توانسته بودند با تقسیم کار و تنظیم روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی تا حدودی بر مشکلات فوق غلبه نمایند.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون در ارتباط با موضوع این پژوهش و با این رویکرد، کار مستقل علمی انجام نشده است. نزدیک‌ترین پژوهش انجام‌شده در این زمینه مقاله «انتخاب جزیره خارک به‌عنوان تبعیدگاه در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش» (۱۴۰۰) است که با رویکردی متفاوت به عوامل اساسی انتخاب این جزیره به‌عنوان تبعیدگاه در تاریخ معاصر پرداخته و اصولاً تبعیدیان حزب توده به‌عنوان چالشی مستقل مدنظر نویسندگان نبوده است. مقاله «تبعیدیان حزب توده (گروه‌های اجتماعی، تبعیدگاه‌ها با تأکید بر تحلیل تأثیر کیفر تبعید بر کنش سیاسی آنان (۱۳۲۰-۱۳۳۲ ش)» (۱۴۰۱) نیز جدیدترین و نزدیک‌ترین مطالعه به پژوهش پیش‌رو است که بیشتر بر استمرار یا عدم استمرار فعالیت تشکیلاتی

۱. در سال ۱۳۳۷ به منظور استقرار صنایع نفت حیات تبعیدگاهی جزیره پایان یافت و تبعیدیان موجود به مناطق دیگر از جمله دژ برازجان منتقل شدند.

تبعیدیان پس از تبعید و تأثیر احتمالی تبعید بر کنش حزبی، تأکید دارد و لزوماً بر محیط جغرافیایی جزیره خارک و محدودیت‌های آن تأکید نشده است.^۱

علاوه بر مقالات بالا، در خصوص تبعید در جزیره خارک، کتابی تحت عنوان «مبارزه در تبعید، خارک جزیره سوزان» (۱۳۹۲) تألیف یعقوب لطفی نیز در دست است. این کتاب نه تنها فاقد بُعد علمی است، بلکه به تبعیدیان مدنظر این تحقیق هرگز اشاره‌ای نکرده و تنها وجه ارزشمند آن، اطلاعات کوتاه و مختصری در خصوص مقوله تبعید به جزیره خارک است که همان اندک اطلاعات نیز دارای اشتباهاتی می‌باشد.

کتاب «خلیج فارس، داستان ناگفته‌های جزیره خارک» (۱۳۹۹) جامع‌ترین اثر در مورد تاریخ جزیره خارک اثر ویلم فلور نیز نتوانسته به درکی از این موضوع کمک کند. تنها بخش پایانی این کتاب به‌طور بسیار گذرا اشاره‌ای به کارکرد تبعیدگاهی این جزیره در دوران پهلوی کرده است.

در همین زمینه کتاب «الخاری و الخواری» (۱۴۰۰) اثر یکی از بومیان قدیمی جزیره خارک نیز نتوانسته به این موضوع، چندان که شایسته است، پردازد. در این کتاب تاریخ پیدایش خلیج فارس و جزایر آن به‌خصوص جزیره خارک به‌طور مفصل بیان شده است که برای شناخت کامل جزیره کتاب کاملی است. فقط در بخشی از این کتاب به پیشینه تبعیدگاهی جزیره با استناد به کتاب مبارزه در تبعید، خارک جزیره سوزان و همچنین مشاهدات خود در جزیره در آن دوران پرداخته شده است.

بنابراین پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا با آخرین و جدیدترین اسناد و مدارک و اخذ مصاحبه از بومیان جزیره خارک، تصویری عینی از چالش‌ها و تکاپوهای تبعیدیان حزب توده ایران در جزیره خارک از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۷ شمسی ارائه دهد.

۱. با وجود مقاله اخیر در سایت مجله، نسخه مقاله کامل نه در سایت مجله و نه در دیگر سایت‌های علمی وجود نداشت و آنچه در این بخش ذکر شده بر مبنای آن چیزی است که در چکیده منعکس شده است.

۳. تبعید و مؤلفه‌های آن

تبعید در لغت به معنی دور کردن و نفی بلد، راندن، کسی را از شهر بیرون کردن و به جاهای دوردست فرستادن است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴/ ۵۵۹۳؛ معین، ۱۳۸۱: ۳/ ۴۳۶). همچنین واژه تبعید از ریشه بُعَد و به معنی بیرون کردن کسی از شهر یا آبادی معین به نقطه دیگر کشور است که غالباً به صورت اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین اعمال می‌گردد (افریقی مصری، ۱۴۲۶ ه.ق: ۳۱۶؛ احمد ابن فارس، ۱۴۲۰ ه.ق: ۲۶۸). این نوع از مجازات دارای دو بُعد تأمینی و تأدیبی می‌باشد که هر کدام از این دو بعد دارای ویژگی‌های مختص به خود است. بُعد تأمینی تبعید باید دارای این ویژگی‌ها باشد: ۱. قابلیت کنترل آسان تبعیدیان؛ ۲. دوردست بودن آن؛ ۳. پایین بودن سطح فرهنگ و آگاهی محل تبعید تا امکان تأثیرگذاری کمتری بر تبعیدی داشته باشد. برای بُعد تأدیبی تبعید هم می‌توان به ویژگی‌هایی چون تنگناهای اقلیمی و تفاوت آن با محل زندگی تبعیدی و نبود کوچک‌ترین امکانات رفاهی و اولیه اشاره کرد (سادات بیدگلی، ۱۳۹۲: ۱۷۶؛ ۱۳۹۶: ۱۲۹).

۴. پیشینه تبعیدگاهی جزیره خارک

براساس اسناد موجود، جزیره خارک از سال ۱۳۱۲ ه. ش. یعنی از دوره رضاشاه به‌عنوان مکانی برای تبعید مجرمین سیاسی در نظر گرفته شده و طبق اسناد در همین زمینه مکاتبات متعددی صورت گرفته بود. بنابر اسنادی به تاریخ ۹ دی ماه ۱۳۱۲ ه. ش. و ۲۰ بهمن ۱۳۱۴ ه. ش. علت این انتخاب، داشتن هوای گرم به‌عنوان بُعد تأدیبی و دور از دسترس بودن به‌عنوان بُعد تأمینی در کنار داشتن حداقل‌هایی برای زیست تبعیدیان به‌منظور کاهش هزینه‌های دولت بوده است (ساکما، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۳؛ ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۳). از نظر متصدیان امر، تنها مشکل جزیره بحث اندک بومیان ساکن در جزیره بود که بنا بود از این جزیره جابه‌جا شوند (ساکما، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۳؛ ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۴). این انتخاب البته با چالش‌هایی روبه‌رو بود. استدلال مخالفان این اقدام، قراردادن این جزیره در معرض کشتی‌های تجاری و دسترسی جزیره به آب‌های آزاد بود که می‌توانست امنیت کارکرد تبعیدگاهی جزیره را کاهش دهد. از طرفی گزینه‌هایی چون جزایر دریاچه رضائیه

[ارومیه] نیز برای امر تبعید پیشنهاد می‌شد (ساکما، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۲۰؛ ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۲۱؛ ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۲۳). به همین خاطر و بنا بر شواهد، تا سال ۱۳۱۸ ه.ش. هنوز این مسئله اجرایی نشده و حکومت مرکزی ضمن درخواست تجدیدنظر در مورد جزیره خارک، در پی بررسی شرایط جزایر دریاچه رضائیه برای این منظور بود (ساکما، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۶؛ ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۸؛ ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۴۳). احتمالاً وقوع جنگ دوم جهانی و درگیری ایران در آن جنگ و سپس تبعید رضاشاه این امر را تعلیق کرده بود. سرانجام در زمان محمدرضاشاه کارکرد تبعیدگاهی این جزیره عملیاتی شده و به صورتی اختصاصی به مکانی برای تبعید محکومین سیاسی تبدیل شد.^۱ ناگفته نماند در همین دوره دیگر جزایر خلیج فارس نیز به‌عنوان تبعیدگاه مجرمان سیاسی مورد اقبال و استفاده حکومت بود (ساکما، ۲۹۳۰۰۶۱۷۹۰۲۲۷؛ ۲۹۳۰۰۶۱۷۹۰۲۳۷؛ ۲۹۳۰۰۶۱۷۹۰۲۹۱) اما به نظر می‌رسد هیچ‌یک همچون جزیره خارک مورد استفاده قرار نگرفته است. سرانجام کارویژه‌ی تبعیدگاهی این جزیره با پیدایش نفت و ساخت پایانه‌های نفتی در این جزیره و انتقال تبعیدیان به مناطق دیگر پایان یافت (ساکما، ۲۳۰۰۲۹۸۶۴؛ خسروی، ۱۳۴۲؛ ۱۱۳؛ عمومی، ۱۳۷۷؛ ۱۷۷؛ فلور، ۱۳۹۹؛ ۲۶۵) و باعث تغییرات گسترده‌ای در بافت جمعیتی این جزیره شد (ثواقب، لعبت فرد، رستمی، ۱۳۹۹؛ ۱۲۹).

۵. جغرافیای طبیعی جزیره خارک؛ تأمین شرایط تبعید

یکی از مباحث مهم مرتبط با کارکرد تبعیدگاهی جزیره خارک، شرایط آب و هوایی آنجاست. در خصوص آب‌وهوای جزیره خارک شواهدی بهتر از افراد تبعیدی در این جزیره نمی‌توان یافت. این افراد در خاطرات خود از شدت گرما و شرجی هوا در فصل تابستان به‌عنوان یکی از سخت‌ترین مؤلفه‌های سکونت در جزیره خارک سخن گفته‌اند. کریم کشاورز و ابوالقاسم انجوی به‌عنوان دو تن از شاخص‌ترین تبعیدیان به این جزیره، که خود فضای آنجا را به‌خوبی لمس کرده‌اند، در این

۱. تداوم این کارویژه در عصر پهلوی دوم ناظر به همان ویژگی‌هایی است که در بخش پیش بدان پرداخته شد و در مباحث پیش‌رو نیز به صورت مبسوطی تشریح می‌شود. در کنار شرایط تعریف‌شده برای محیط تبعیدگاه، جزیره خارک بنا بر سابقه تاریخی خود واجد حداقلی از امکانات برای نظارت حکومت نیز بود.

خصوص توصیف دقیقی از این وضعیت غیرقابل تحمل ارائه کرده‌اند (کشاورز، ۱۳۶۳: ۶۲؛ صداقت پیشه، ۱۳۹۴: ۵۲). در چنین وضعیت آب و هوایی گُشده، وزش باد در تابستان خارک یکی از نعمت‌هایی بوده که تبعیدیان از آن یاد کرده‌اند زیرا باعث کاسته شدن شدت گرما و شرجی می‌شد (کی‌مرام، ۱۳۷۴: ۳۶۳؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۹۴: ۵۳). نگاهی به اسناد برجای مانده از تبعیدیان و خانواده‌های آنان نشان می‌دهد، دردناک‌ترین ویژگی این جزیره برای کنش‌گران فوق، گرمای طاقت‌فرسای آن بوده است. در این اسناد که در قالب شکایت تبعیدیان یا شکواییه‌های خانواده‌های آنان ثبت شده آب‌وهوای این جزیره با عباراتی همچون «جزیره بسیار گرم و خطرناک»، «بدترین نقاط آب و هوایی ایران»، «نقاط بد آب‌وهوای جنوب»، «بد آب و هوای جزایر خلیج فارس»، «جزیره بد آب‌وهوای خارک» قید و برجسته شده است (کمام، ۶۳۲۸۷۶؛ ۶۳۲۸۷۳؛ ۶۳۲۸۷۹؛ ۶۳۲۸۷۸؛ ۶۳۲۸۴۸). این شاخص برای طیفی از تبعیدیان که عموماً از مناطق سرد یا معتدل کشور به آنجا تبعید شده بودند رنج دوچندانی را به دنبال داشت. گزارش منعکس شده از تبعیدیان به‌خوبی نشان می‌دهد که به سبب شدت گرما، افراد تبعیدی برای پیشگیری و درواقع مقابله با گرما اقداماتی را از جمله نیمه‌برهنه بودن در اردوگاه، نشستن در زیر سایه درختان و استفاده از آب‌لیمو و نمک به‌عنوان مایع ضد شرجی به‌منظور جبران کمبود ویتامین ث در پیش گرفته بودند (کشاورز، ۱۳۶۳: ۲۴؛ کی‌مرام، ۱۳۷۴: ۳۶۳؛ احسانی، ۱۳۷۸: ۳۹۷). این وضعیت، زندگی تبعیدیان را با مشکلات عدیده و بیماری‌ها و امراض طاقت‌فرسایی روبه‌رو ساخته بود (کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۷۹ - ۱۶۲ - ۸۵؛ کمام ۶۳۲۸۶۵).

به این جغرافیای فقیر و خشن، باید مشکلات دسترسی را نیز اضافه نمود. راه دسترسی به این جزیره در ادوار مختلف تاریخی تا سال ۱۳۳۵ هـ ش. تنها از راه دریایی بوده است و حتی افراد تبعیدی را از طریق دریا به جزیره منتقل کرده‌اند (احسانی، ۱۳۷۸: ۳۲۹؛ احمدی، ۱۳۹۴: ۱۹۷؛ کشاورز، ۱۳۶۳: ۲۴؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۹۴: ۳۲). زمانی که آب‌وهوا مناسب باشد و طوفان و باد و باران نباشد که دریا موج شود دسترسی به جزیره به‌آسانی و راحتی انجام می‌شد در غیر این صورت دسترسی و رفتن به

جزیره از طریق دریا غیرممکن بود.^۱ خاطرات ابراهیم محیایی در کتاب «گذر از سرمنزل عنقا» گزارش ملموس رنج و سختی سفر از بندر بوشهر به جزیره خارک در دهه ۱۳۲۰ است (محیایی، ۱۳۸۱: ۵۲) با توجه به فاصله کم این جزیره تا بوشهر، این گزارش به‌خوبی انعکاس‌دهنده موانع طبیعی برای دسترسی به جزیره مذکور است. این دسترسی سخت و نامنظم به جزیره در اسناد اداری دوره پهلوی نیز انعکاس داشته است (ساکما، ۳۲۴۵۴۲۹۳).

بدین ترتیب می‌توان گفت، خارک با جغرافیای جزیره‌ای، مضیق و خشن مصداق بارز هم شرایط تأمینی و هم شرایط تأدیبی در مقوله تبعید بود. زیرا تبعیدیان آنجا در سخت‌ترین شرایط می‌زیستند و به‌طور طبیعی هیچ راه فرار یا ارتباطی نیز برای آنها وجود نداشت. گویی، آنها در دژی در میانه دریا محبوس بودند. اکنون سؤال اساسی و قابل‌طرح آن است که تبعیدیان در مواجهه با این جغرافیای مرگبار چه کردند تا زیست در آنجا را بر خود هموار کنند؟ قبل از آن لازم است تا تبار اجتماعی تبعیدیان به این جزیره را بازشناسی کرد.

۶. خاستگاه اجتماعی تبعیدیان

تبعیدیان منتسب به حزب توده در جزیره خارک که پیشتر به آنها اشاره شد از یک طیف یا بخش جامعه نبودند. بلکه به لایه‌های مختلف جامعه تعلق داشتند. هدف از این بخش تکاپویی است تا ضمن آن با تکیه بر عوامل زمینه‌ساز تبعید، تبعیدیان بهتر شناخته شده و کنش اجتماعی آنها در جزیره بهتر درک شود.

یکی از شاخص‌ترین گروه‌های تبعیدی، کارگران بودند که در بخش‌هایی چون راه‌آهن و اداره دخانیات مشغول به کار بودند (احسانی، ۱۳۷۸: ۳۴۳ - ۳۴۲ - ۳۴۱؛ کشاورز، ۱۳۶۳: ۸۳ - ۶۲). گروه دوم از تبعیدیان، روشنفکران و نخبگان علمی و فرهنگی آن زمان بودند. افرادی همچون محمدمامین آخوندزاده، پرویز اتابکی، محمدعلی ترابی، ناصر خموش، محمدهادی شفیعیها و عیسی عالم‌زاد از

۱. این مسئله، یعنی قطع راه‌های ارتباطی دریایی در شرایط جوی نامساعد، در زمان کنونی که تکنولوژی حمل و نقل دریایی به مراتب پیشرفته‌تر شده نیز همچنان دامن‌گیر این جزیره است.

رسته‌ی معلمان و اساتید دانشگاه بودند. در این بین افرادی چون کریم کشاورز از زمره نویسندگان و مترجمان شناخته‌شده‌ی زمان خود حضور داشتند. در این گروه روزنامه‌نگارانی چون سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، سردبیر روزنامه آتشبار، نیز حضور داشت. همچنین می‌توان پزشکان و دانشجویان پزشکی را نیز مدنظر قرارداد؛ کسانی همچون دکتر صادق پیروز، دکتر کریم پویا و دکتر اسماعیل شهیدی (احسانی، ۱۳۷۸: ۳۸۲؛ کام، ۶۳۲۸۵۰؛ ۶۳۲۸۵۱).

گروه سوم، از قشر نظامی و از رسته افسران نیروی هوایی بودند. افرادی مانند عبدالله ارگانی، علی‌اصغر احسانی، جواد ارتشیار، ابوالحسن تفرشیان، محمد هنریار، حسین مرزوان و خسرو پوریا، که عده‌ای از این افراد در جریان قیام افسران خراسان و غائله‌ی جدایی‌طلبی آذربایجان دستگیر و محکوم به تبعید در جزیره خارک شدند.

به لحاظ سبک زندگی نیز آنها آمیخته‌ای از شهرنشینان و روستائینان بودند. در این میان از جنبه سابقه مذهبی نیز در میان آنها طیفی از مسلمان، یهودی، مسیحی و زرتشتی حضور داشته‌اند. از منظر نظام طبقاتی نیز فرودستان تا اشراف در تبعیدیان مشاهده می‌شدند.^۱ از این رو می‌توان جامعه تبعیدیان خارک در این برهه زمانی را جامعه‌ای کوچک شامل اغلب اقشار یک جامعه در مقیاس بزرگ فرض نمود. همان‌طور که در بخش‌های بعد ملاحظه خواهد شد این تنوع اجتماعی با یک فصل مشترک توانست نقش مؤثری در هموار کردن حیات تبعیدیان داشته باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. برای فهم بیشتر درمورد اقشار و اصناف تبعیدیان ر.ک: (صداقت پیشه، ۱۳۹۴: ۲۷ و ۴۰ و ۹۴ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۶ و ۱۰۹)؛ (کشاورز، ۱۳۶۳: ۴۹ و ۵۳ و ۶۲ و ۷۱ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۲ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۱۹ و ۱۲۳ و ۱۳۲ و ۱۳۴ و ۱۴۱ و ۱۵۰ و ۱۶۴ و ۱۷۸ و ۱۸۱ و ۱۸۳ و ۱۹۱ و ۲۰۹ و ۲۱۸ و ۲۲۵ و ۲۷۲ و ۳۱۰)؛ (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۰۳)؛ (کام: ۶۲۸۶۶ و ۶۲۸۵۲ و ۰۲۱۶۸۶۷۰۰۰۳)؛ (خسروپناه، ۱۳۷۷: ۱۱۴ و ۱۴۲ و ۱۴۷)؛ (کرمیان، ۱۳۹۳: ۴۳ و ۴۵)؛ (ساکما: ۲۳۰۰۰۷۴۷۰۰۰۰۴ و ۲۹۴۰۰۰۱۰۰۱۱۶۱)؛ (روزنامه مردم، ۱۰۴۲: ۱۲)؛ (چپ در ایران به روایت ساواک، ۱۳۸۲: ۱۳۴ و ۳۸۷)؛ (روح بخش اله آباد، ۱۳۸۹: ۶۷)؛ (کیانوری، ۱۳۷۱: ۳۸۳).

۷. بررسی شرایط تبعیدیان در سایه نگاه امنیتی

۱-۷. مسکن

باوجود نزدیکی زمانی پدیده مورد بررسی، اطلاعات در باب جزئیات زندگی تبعیدیان بسیار کم و گاهی مبهم است. بخشی از این ابهام ناشی از سرشت پدیده تبعید و بخشی دیگر از سرشت جغرافیایی تبعیدگاه و در نهایت به خاطر دوری حداکثری از مرکز سیاسی آن جزیره بوده است. در گفته‌های اهالی معمر جزیره خارک تناقض در خصوص محل سکونت افراد تبعیدی وجود دارد، برخی محل سکونت آنان را پادگان فعلی نیروی دریایی جزیره خارک دانسته و عده‌ای دیگر بر این عقیده هستند که این افراد در غارها یا گوردخمه‌های اطراف جزیره که متعلق به دوران پالمیران^۱ است نگهداری می‌شدند (جمات مژده و خلف مژده (۷۰ و ۶۵ ساله)، اردیبهشت ماه ۱۳۹۸؛ فرخنده محمدی و مهدی اصلانی (۶۰ و ۴۵ ساله)، اردیبهشت ماه ۱۳۹۸). براساس خاطرات افراد تبعیدی، محل استقرار آنان در شمال شرقی جزیره، به فاصله ۱۲ تا ۳۰ متری دریا بوده که در زمان مد دریا این فاصله به سه متر می‌رسید و همچنین این محوطه اردوگاهی در سیصد متری بخشی از جزیره به نام ده خارک^۲ قرار داشته است که توسط انگلیسی‌ها و در زمان حضورشان در جزیره ساخته شده بود (کشاوری، ۱۳۶۳: ۷۶ - ۷۶؛ صداقت پیشه، ۱۳۹۴: ۳۳؛ احمدی، ۱۳۹۳: ۱۹۹). به این مسکن‌ها باراک^۳ می‌گفتند (کشاوری، ۱۳۶۳: ۲۶). باراک‌ها در واقع سربازخانه‌هایی بودند که پشت سرهم و به فاصله معینی ساخته شده بودند که انگلیسی‌ها از آنها برای نگهداری سربازها در جنگ جهانی اول استفاده می‌کردند (صداقت پیشه، ۱۳۹۴: ۳۳). این باراک‌ها از سنگ و گچ ساخته و با شیروانی آهنی پوشیده شده بودند. به همین خاطر در زمستان سوز سرما و در تابستان گرمای هوا به داخل اتاق منتقل می‌شد (کشاوری، ۱۳۶۳: ۳۱۳؛ صداقت پیشه، ۱۳۹۴: ۳۳؛ احمدی، ۱۳۹۴: ۱۹۹). احتمالاً این

۱. بقایای تمدنی مربوط به قرن سوم یا چهارم میلادی. برای فهم بهتر ر.ک: شیمپان، کلاوس، مبانی تاریخ پارتیان، مترجم هوشنگ صادقی، تهران: فروزان روز، ۱۳۹۰.

۲. باوجود گذر زمان بسیار و تغییرات گسترده در این جزیره، هنوز در زبان محلی به منطقه بومی‌نشین جزیره، ده خارک می‌گویند.

۳. Barrack: به ساختمان یا گروهی از ساختمان‌های ساخته‌شده برای پرسنل ارتش گفته می‌شود.

ساختمان‌ها ضمن اقدامات انگلیسی‌ها در استخراج سنگ از جزیره خارک برای تأسیسات نفتی در بصره و آبادان احداث شده بودند (ساکما، ۲۴۰۰۱۴۶۵۰؛ ۲۹۳۰۳۲۴۳۶). با مقایسه‌ی دو نقشه شماره ۱ و ۲ به نظر می‌رسد باراک‌هایی که کریم کشاورز به آن اشاره می‌کند با پایگاه دریایی که بعداً ساخته شده در یک موقعیت قرار داشته است^۱. بدین ترتیب و بنابر آنچه در بخش پیشینه تبعیدگاهی جزیره اشاره شد، بقایای تأسیسات برجای‌مانده از انگلیسی‌ها در جنگ جهانی اول در شرایطی نامساعد و به‌عنوان بخشی از مزیت تبعیدگاهی این جزیره برای حکومت، که اکنون کارکرد نظامی داشت، محل سکونت تبعیدیان بود. همچنین غارهای پالمیران نیز نه به‌عنوان محل سکونت بلکه به‌عنوان زندان انفرادی تبعیدیان خاکی توسط مأموران امنیتی مورد استفاده قرار می‌گرفت (احسانی، ۱۳۷۸: ۴۶۸). بر اساس همین داده‌ها می‌توان شرایط محیط مسکونی تبعیدیان را سخت و ناهموار ترسیم کرد.

۲-۷. تغذیه

جامعه تبعیدیان حزب توده در جزیره خارک از نظر تغذیه و خواربار در مضیقه و محدودیت قرار داشتند و دلیل آن نیز ناچیز بودن جیره روزانه آنان عنوان شده است (کمام، ۶۳۲۸۵۶؛ ۸۳۲۸۵۷؛ ۶۳۲۸۶۹؛ ۶۳۲۸۷۲). با این حال مدعای متولیان امر تبعید چیزی غیر از این و مبنی بر کفایت جیره غذایی بوده است (ساکما، ۹۸۲۹۳۶۷۹۹؛ کمام، ۶۳۲۸۵۰ ش سند؛ ۶۳۲۸۷۰). بررسی همه‌جانبه نشان می‌دهد، فارغ از نگاه تنبیهی حکومت، فقدان دسترسی منظم به جزیره و فقر جغرافیای طبیعی جزیره عامل مهم این مسئله بود. بدین لحاظ چالشی‌ترین مسئله تبعید که در خاطرات تبعیدیان نیز انعکاس یافته، فقر غذایی گسترده بود (احسانی، ۱۳۷۸: ۴۳۰-۴۲۹-۴۰۱؛ کشاورز، ۱۳۶۳: ۲۸۸ - ۲۸۵ - ۲۸۳ - ۱۷۹ - ۸۴؛ صداقت پیشه، ۱۳۹۴: ۹۹ - ۹۸؛ کرمان، ۱۳۹۳: ۴۸). تبعیدیان به دلیل کمبود مواد غذایی مقوی، با بیماری‌های گوناگونی روبه‌رو می‌شدند. آنها همچنین برای رفع نیاز خود شروع به اقداماتی همچون کشت سبزی نیز کرده بودند، تا از این طریق بتوانند بخشی از نیاز زیستی خود را

۱. برای درک بهتر فضای جغرافیایی جزیره خارک معطوف به پدیده تبعید ر.ک نقشه شماره ۱ و ۲.

تأمین کنند و هم در هزینه‌ها صرفه‌جویی کرده باشند (احسانی، ۱۳۷۸: کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۲۲؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۳: ۱۳۴). گزارش رقت‌بار علی‌اصغر احسانی از علف‌خواری تبعیدیان، که به قول نویسنده نوعی طب سنتی آموخته از بزهای جزیره بود، ناظر به همین تنگناهای غذایی این گروه می‌باشد (احسانی، ۱۳۷۸: ۳۸۴-۳۸۳). این وضعیت به گونه‌ای بود که بخش زیادی از خاطرات تبعیدیان خارک به مسئله غذا اختصاص یافته، گویی ترس از گرسنگی و مرگ آنها را وادار کرده بود تا هر روز در جست‌وجوی راهی برای زنده‌ماندن باشند.

۳-۷. بهداشت و درمان

شرایط بهداشتی و درمانی تبعیدیان وضعیت مطلوب و خوشایندی نداشت. افراد تبعیدی حتی برای کوچک‌ترین نیاز خود یعنی استحمام دچار مشکل بودند (احسانی، ۱۳۷۸: ۴۰۷). با ورود گروه موسوم به ۶۱ نفر تا حدودی وضعیت بهداشتی تبعیدیان نیز بهبود یافت؛ زیرا در این گروه پزشکان خبره‌ای وجود داشتند. اما به دلیل تغذیه نامناسب و همچنین کمبود دارو برای امراض مختلف، تبعیدیان عموماً با بیماری‌های بسیاری روبه‌رو می‌شدند، و طبیعتاً به دلیل کمبود دارو و همچنین متخصص نبودن پزشکان عملاً درمان بیماران سخت و گاهی غیرممکن بود (کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۴۸ - ۱۴۷). این در حالی بود که بنابر گزارش‌ها تبعیدیان، شرایط بهداشتی - درمانی جزیره نیز بسیار مضیق و مختصر بوده و برای درمان برخی بیماری‌ها امکانات و لوازم لازم را در اختیار نداشتند و فرمانده پادگان مجبور بود برای درمان بیماری برخی از تبعیدیان حال آنان را گزارش کند و در صورت موافقت از مقامات بالا فرد تبعیدی برای درمان به خارج از جزیره اعزام می‌شد (کشاورز، ۱۳۶۳: ۲۳۳ - ۱۴۷؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۹۴: ۷۸؛ کریمیان، ۱۳۹۳: ۱۱۶ - ۸۰ - ۷۹؛ کام، ۱۳۸۶: ۶۳۲۸۶۵).

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت شرایط همه‌جانبه تبعیدیان دشوار بوده و در شرایطی بسیار سخت دوران تبعید خود را سپری می‌کردند. با این حال وضعیت به گونه‌ای رقم خورد تا تبعیدیان تجربه‌ای متفاوت از آنچه در انتظارشان بود رقم بزنند و آلام و رنج‌های خود را به حداقل برسانند.

۸. بررسی تعاملات اجتماعی تبعیدیان در فضای امنیتی جزیره

افراد تبعیدشده به جزیره خارک چون تبعیدیان و زندانیان سیاسی بودند و تحت حفاظت قرار داشتند کمتر می‌توانستند با خارج از جزیره ارتباط برقرار کنند، و ارتباطات و تعاملات آنان به ارتباط با یکدیگر، ارتباط با مأمورین و نهایتاً بومیان جزیره محدود می‌شد. تنها در دو مورد علی‌اصغر احسانی مدعی ارتباط مختصر تبعیدیان با بیرون از جزیره خارک است. همو در خاطرات خویش از ارتباط تبعیدیان با کمیته مرکزی حزب در چارچوب روابط حزبی سخن می‌گوید (احسانی، ۱۳۷۸: ۳۹۹ - ۳۹۲ - ۳۸۱ - ۳۶۵ - ۳۶۳). در این بخش از مقاله به ارتباطات یادشده تبعیدیان پرداخته خواهد شد.

۸-۱. ارتباط درونی تبعیدیان

تبعیدیان در خصوص مسائل و موضوعات مختلف باهم ارتباط برقرار و در مورد آنها گفت‌وگو می‌کردند. یکی از این مسائل و موضوعات در خصوص قوانین و مقررات موجود در تبعیدگاه بود که همگی ملزم به رعایت آن بودند (احسانی، ۱۳۷۸: ۳۷۹ - ۳۶۳، کشاورز، ۱۳۶۲: ۲۷). مسئله‌ی دیگری که تبعیدیان در مورد آن گفت‌وگو کرده و به همکاری با یکدیگر می‌پرداختند، همکاری و کمک به یکدیگر، مبتنی بر تخصص خویش، برای انجام بهتر کارها و حل مسائل و مشکلات تبعیدگاه بود تا بتوانند قدری از سختی زندگی در آن منطقه گرم و کُشنده و دور از دسترس را بکاهند (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۱۱ - ۲۱۰؛ کرمان، ۱۳۹۳: ۱۰۵ - ۱۰۴؛ کی‌مرام، ۱۳۷۴: ۳۵۷ - ۳۵۳). نمونه‌ای از آن تکمیل یک راه‌آهن برای انجام آسان‌تر بخشی از کارهای روزانه‌شان بود (کشاورز، ۱۳۶۳: ۲۶۲). گویا این خط آهن از قبل موجود بوده و تبعیدیان برای سهولت کار آوردن آب از چاه، تکه‌ای به آن اضافه کرده بودند. این خط آهن باقی‌مانده فعالیت انگلیسی‌ها در این جزیره بوده که تا مدت‌ها بعد از آن مبنای دعاوی بین خاندان حیات‌داودی و حکومت مرکزی ایران بوده است (ساکما، ۲۴۰۰۱۶۵۹۷).

موضوع دیگری که باعث ارتباط بین تبعیدیان می‌شد باز نشر خاطرات خود برای گذران زندگی در فضای محدود و بسته و نامناسب جزیره بود. تعاملات تبعیدیان در زمینه امور درمان خود در شرایط ناگوار جزیره نیز باعث شکل‌گیری روابط اجتماعی میان آنها می‌شد (کرمیان، ۱۳۹۳: ۴۷؛ کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۴۳).

در تحلیل این بخش می‌توان گفت زمینه مشترک فکری به آنها نوعی انسجام بخشیده بود تا بتوانند شرایط سخت خود را بهسازی نمایند.

۲-۸. ارتباط تبعیدیان با مأمورین امنیتی و بومیان جزیره

ارتباط تبعیدیان با مأمورین با توجه به جوّ و شرایط حاکم بر اردوگاه نوسان داشت. در این خصوص کتب خاطرات تبعیدیان مرجع مناسبی برای گفته‌های بالا می‌باشد. در صورتی که تبعیدیان اقدام خلاف مقررات انجام می‌دادند مأمورین پادگان، تبعیدیان را سخت تنبیه می‌کردند (احسانی، ۱۳۷۸: ۳۹۰-۳۸۹؛ کشاورز، ۱۳۶۳: ۲۵۲ - ۲۵۱ - ۲۲۹ - ۲۱۹ - ۲۰۶ - ۱۶۹ - ۱۴۰). حتی مأمورین اردوگاه گاهی برای ایجاد رعب و وحشت و کنترل تبعیدیان نیز به خشونت روی می‌آوردند (صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴: ۱۲۱ - ۱۲۰ - ۷۷ - ۷۶؛ احمدی، ۱۳۹۴: ۲۱۰ - ۲۰۹)؛ مسئله‌ای که باعث اعتراض و نامه‌نگاری آنها با مجلس شورای ملی نیز شد (کمام، ۱۳۲۸۵۰؛ ۶۳۲۸۶۱). برای نمونه در یکی از اسناد برخی از شکنجه‌های به کار گرفته شده برای یکی از تبعیدیان توسط مأمورین چنین ذکر شده است: «در زندان مجرد [انفرادی] انواع شکنجه و توهین را از شلاق و ضرب و جرح گرفته تا دستبند قیانی و سوزاندن پوست صورت به وسیله آتش سیگار و غیره خودسرانه درباره او عمل نموده حتی به سربازان دستور عمل منافی عفت را داده است و آنها آلت خود را در گوش او نموده و می‌خواستند به او مدفوع بخوراند» (کمام، ۱۳۲۸۵۰). در کنار سخت‌گیری‌هایی که مأمورین امنیتی در برابر تبعیدی‌ها انجام می‌دادند بعضاً دیده شده که برخی از تبعیدیان رابطه نسبتاً خوبی با مأمورین و به خصوص رئیس اردوگاه داشته‌اند تا جایی که گاهی تبعیدیان به دیدار رئیس پادگان می‌رفتند و گاهی نیز رئیس پادگان به دیدن تبعیدیان می‌رفت و حتی با یکدیگر بر سر یک سفره می‌نشستند (صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴: ۹۸). در تحلیل این کنش متقابل نه‌چندان مرسوم می‌توان گفت، شاید تنگناهای زیستی جزیره

و نیاز به همکاری برای حل مشکلاتی، که احتمالاً توسط کسان دیگری خارج از جزیره قابل حل نبود، باعث چنین توافقات نانوشته‌ای بین زندانیان و زندانبانان شده بود. ناگفته نماند به علت اینکه جزیره خارک قبل از رویکرد تبعیدی جدید تبعیدگاه افراد بزهکار و درواقع سابقه‌دار بود، بومیان جزیره بعد از ورود تبعیدیان سیاسی به جزیره از آنان دوری می‌کردند؛ زیرا از طرف افراد بزهکاری که سابقاً در جزیره حضور داشتند مورد آزار و اذیت فراوان قرار گرفته بودند و از آنان خاطره خوشی نداشتند. اما به تدریج با توجه به حسن رفتاری که تبعیدیان از خود نشان دادند، بومیان جزیره با آنان ارتباط برقرار کردند (کی‌مرام، ۱۳۷۴: ۳۵۴؛ احسانی، ۱۳۷۸: ۳۹۰ - ۴۰؛ کرمان، ۱۳۹۳: ۴۶؛ جمات مؤده، مصاحبه اردیبهشت ماه ۱۳۹۸).

افراد تبعیدی برای اطلاع از اتفاقات جزیره و همچنین گذران زندگی خود به برقراری رابطه با بومیان جزیره نیاز داشتند (کشاورز، ۱۳۶۳: ۸۵). این افراد حتی گاهی برای تغذیه و دیگر امور روزمره خود به ارتباط با بومیان محتاج بودند. سطح ارتباط آنها به نحوی بود که آنها در مراسم سنتی بومیان خارک، آیین زار^۱، نیز شرکت داشته‌اند (احسانی، ۱۳۷۸: ۴۷۰ - ۳۹۹؛ کشاورز، ۱۳۶۳: ۲۳۰ - ۲۹۹). البته باید گفت که افراد تبعیدی نمی‌توانستند آزادانه به ده بروند و با ساکنان جزیره ارتباط برقرار کنند و حتماً باید از فرمانده اردوگاه اجازه خروج می‌گرفتند (صداقت‌پیشه، ۱۳۹۴: ۱۰۸) و در صورت لزوم برای خارج شدن از محوطه اردوگاه یک نفر محافظ نیز با آنان همراه می‌شد (صداقت‌پیشه، ۱۳۹۴: ۱۲۷؛ کشاورز، ۱۳۶۳: ۲۵۲ - ۲۳۰ - ۲۲۹ - ۲۱۹ - ۱۴۰ - ۲۱). گاهی نیز افراد تبعیدی به‌طور پنهانی و دور از چشم فرمانده پادگان به ده خارک می‌رفتند و با ساکنان ارتباط برقرار می‌کردند (کرمان، ۱۳۹۳: ۴۴؛ روح‌بخش اله آباد، ۱۳۹۰: ۶۹). ارتباط بین تبعیدیان و ساکنان جزیره دوطرفه بوده و گاهی ساکنان نیز به دلایلی چون نیازهای درمانی به اردوگاه می‌آمدند (کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۰۰). بنا به گفته جمات مؤده در کتاب خود شخصی به نام دکتر شکور که در بین اهالی با

۱. سنت زار یا لیوا نوعی موسیقی‌درمانی گروهی در جزیره خارک است که هدف از اجرای آن بیرون کردن ارواح خبیثه از بدن فرد بیمار می‌باشد. منشأ این موسیقی شرق قاره آفریقا و مشخصاً زنگبار است (امانی، ۱۳۸۹: ۱۱۳ - ۱۱۲ - ۸۲).

نام دکتر مادرزاد معروف بود، از پزشکانی بود که رابطه خوبی با اهالی داشته و گاهی مردم را مجانی مداوا می‌کرد و این شخص از جمله کسانی بوده که حتی پس آزادی در خارک مانده بود (مژده، ۱۴۰۰: ۳۰۹). بر این اساس می‌توان گفت ساکنان جزیره نیز بعد از مدتی به تبعیدیان اعتماد کرده بودند. بدین ترتیب شاید نقطه روشن و امیدبخش تبعیدیان ارتباط سازنده آنها با بومیان بود تا بر بخشی از چالش‌های خویش غلبه کنند.

۹. تکاپوهای فرهنگی - اجتماعی و سیاسی تبعیدیان

۹-۱. فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی

فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی تبعیدیان در جزیره شامل برگزاری جشن‌های مختلف نظیر جشن مشروطه، جشن مهرگان، جشن ژانویه برای تبعیدیان ارمنی و جشن نوروز بود (کشاورز، ۱۳۶۳: ۲۰۵ - ۲۰۴ - ۱۲۸ - ۱۲۱ - ۶۸؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۹۴: ۷۹ - ۷۵ - ۷۲). کریم کشاورز در خاطرات خود در این باره می‌گوید: «در اردوگاه ما جوش و خروش برپاست. از هر سو آوازهای دسته‌جمعی به گوش می‌رسد. آذربایجانی‌ها، مازندرانی‌ها، گیلک‌ها، کرمانشاهیان، ارمنی‌ها مشغول تمرین آهنگ‌های محلی و ملی خود هستند. یک دسته دیگر... نمایش‌نامه زارع شیکاگو اثر مارک توین را تمرین می‌کنند. دسته دیگر تحت نظارت انجوی و حسین چُرچُر یک نمایش‌نامه روحوسی حاضر می‌کنند. اینها تدارکات جشن مهرگان است» (کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۲۱).

از دیگر فعالیت‌های فکری و فرهنگی افراد تبعیدی می‌توان به برگزاری کلاس‌های سوادآموزی و همچنین اجرای نمایش‌های مختلف و خواندن سرود در جشن‌های مختلف اشاره کرد (کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۴۱ - ۱۳۹ - ۱۱۳ - ۸۹ - ۶۴؛ کی‌مرام، ۱۳۷۴: ۳۵۷).

آنها برای گذران زندگی و همچنین سرگرمی خود ورزش‌هایی نظیر شطرنج، والیبال و شنا را انجام می‌دادند (کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۲۴ - ۸۸ - ۶۹؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۹۴: ۱۲۶). در مجموع و با تحلیل داده‌ها و زمینه‌ها می‌توان گفت هدف همه موارد گفته‌شده، ایجاد یکپارچگی و انسجام و افزایش تاب‌آوری در مواجهه با بحران توسط تبعیدیان بود. همین رویکرد آنها را به واحد اجتماعی متمایزی در جزیره خارک بدل کرده بود که حتی ذهنیت بومیان جزیره را از پیشینه تبعید به این مکان تغییر داده بود.

۲-۹. فعالیت اجتماعی در چارچوب نظام فکری و سیاسی

تبعیدیان به دلیل تحت حفاظت بودن نمی‌توانستند به راحتی و آشکارا فعالیت‌های سیاسی انجام دهند. همان‌طور که گفته شد این‌گونه فعالیت باید به دور از چشم فرمانده پادگان صورت گرفته باشد؛ زیرا اصولاً حکومت برای کنترل و همچنین مقابله با افکار و عقاید متفاوت و متعارض این افراد آنان را محکوم به تبعید کرده بود. اطلاعات در این خصوص بسیار اندک است، شاید دلیل آن باشد که فعالیت‌های آنها در خفا انجام می‌شد و افراد تبعیدی آن را ثبت نمی‌کرده‌اند. با این حال در کتاب *خاطراتی از سازمان افسران حزب توده ایران* به حیات سیاسی تبعیدیان در جزیره خارک اشاره شده است که در نوع خود ابعادی از حیات خاص این زندانیان سیاسی را بازگو می‌کند. بر مبنای این خاطرات، حیات اجتماعی تبعیدیان حزب توده در جزیره خارک ذیلی از چارچوب فکری و حزبی آنها بوده است. آنها با کمیته مرکزی حزب ارتباط سازمانی نیم‌بند خود را حفظ کرده و در اتخاذ تصمیماتی چون اعتراض، اعتصاب و نامه‌نگاری تابع نظرات کمیته مرکزی بودند. بنا بر همین اندک شواهد، جامعه محدود تبعیدیان حزب توده ایران در جزیره خارک همچون کمیته مرکزی حزب واجد تشکیلات و هیئت‌مدیره بود که در رأس آن علی‌اصغر احسانی قرار داشت. با ورود گروه معروف به ۶۱ نفر، شرایط چنین زیستی مهیاتر شده و جزوات حزبی از طریق لنج‌ها و یدک‌کش‌هایی که بین خارک و بوشهر در رفت‌وآمد بودند، به‌طور مخفیانه به دست تبعیدیان می‌رسید (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۲۵ - ۲۲۲؛ احسانی، ۱۳۷۸: ۳۶۴-۳۶۳).

اتخاذ چنین رویکردی، نقش مؤثری در ابعاد مختلف حیات اجتماعی تبعیدیان داشت. این رویکرد، به زندگی اجتماعی تبعیدیان چهره‌ای حزبی و تشکیلاتی داده بود. تا جایی که اصل بر مشارکت عمومی و تقسیم‌کار، حذف مالکیت خصوصی و سلب مالکیت بر لوازم اضافی فرد به نفع جامعه

تبعیدیان بود. آنها برای تقسیم‌بندی کارهایشان کمون^۱ انتخاب می‌کردند و هر کمون نیز دارای مسئول مشخصی بود (احسانی، ۱۳۷۸: ۳۶۶، ۳۷۹، ۳۸۰؛ کی‌مرام، ۱۳۷۴: ۳۵۳).

در نمایی دیگر، بخشی از حیات اجتماعی جامعه تبعیدیان صرف تبلیغات و آموزش مرام فکری حزب توده ایران بود. احسانی در خاطرات خود شواهدی از جلسات حزبی برای آموزش افراد عرضه می‌کند. همو یکی از برنامه‌های جامعه تبعیدیان را اجرا و بازخوانی سرودها و شعارهای حزبی برمی‌شمرد (احسانی، ۱۳۷۸: ۴۱۰ - ۴۰۱ - ۳۹۲ - ۳۸۸ - ۳۷۵ - ۳۶۶). در بخشی از خاطرات شیخ مصطفی رهنما به تلاش منوچهر کی‌مرام برای جلب نظر او به اندیشه‌های حزب توده اشاره شده است (کرمیان، ۱۳۹۳: ۴۷). نمونه دیگری از کنش اجتماعی آنها در راستای اهداف حزبی، بزرگداشت مناسبت‌های مرتبط با مرام فکری خویش بود. احسانی در خاطرات خود به روشنی به برگزاری جشن ۱۱ اردیبهشت به مناسبت روز جهانی کارگر، جشن مهرگان مصادف با سالروز تأسیس حزب توده ایران، بزرگداشت انقلاب روسیه در اکتبر سال ۱۹۱۷ و بزرگداشت سالروز درگذشت تقی ارانی از بنیان‌گذاران حزب در محیط کوچک جزیره خارک اشاره می‌کند (احسانی، ۱۳۷۸: ۴۰۰). اجرای نمایش «زارع شیکاگو» اثر مارک تواین با درون‌مایه‌ای هرچند کم‌رنگ از افکار سوسیالیستی، با درک شرایط حفاظتی آنها (کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۲۱)، نیز شاید نمودی از حیات سیاسی آنها در جزیره باشد.^۲ با این حال زیست اجتماعی تبعیدیان مبتنی بر مرام فکری در محیط کوچک و محدود خارک نمی‌توانست آشکارا و بدون ترس باشد. بر همین مبنا حداقل یک‌بار کشف مرام اشتراکی تبعیدیان توسط پاسبانان باعث شکنجه سخت و طاقت‌فرسای آنها شده و حساسیت مأموران امنیتی را برانگیخته بود (احسانی، ۱۳۷۸: ۴۳۹).

نتیجه‌گیری

۱. این واژه به معنای کوچک‌ترین واحد در زندگی اشتراکی می‌باشد که در واقع بخشی از مانیفست و ایده‌آل کمونیست‌ها بوده است.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: تیموری، گابریل، زارع شیکاگو، مترجم کریم کشاورز، تهران: سپهر، ۱۳۵۲.

براساس پژوهش انجام شده در دوره زمانی سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۷ ه.ش طیف قابل توجهی از افراد منتسب به حزب توده از اقشار مختلف جامعه شامل نویسندگان، معلمان، استادان دانشگاه، پزشکان، کارگران، نظامیان و دیگر اقشار به جزیره خارک تبعید شدند. نتایج پژوهش بر مبنای فهم تجربه زیسته تبعیدیان و عوامل دخیل در آن نشان می‌دهند:

زندگی تبعیدیان حزب توده در جزیره خارک تلفیقی از تمامی محدودیت‌های جغرافیایی حاکم بر جزیره مزبور و تضییقات لحاظ شده حکومت بر تبعیدیان شامل موارد تأدیبی و تأمینی بود. در همین راستا، جزیره خارک با آب و هوایی بسیار نامطبوع و طبیعتی فقیر و خشن و دسترسی بسیار سخت، که در گزارش‌های برجای مانده از تبعیدیان و اسناد آرشیوی منعکس شده، بخشی از حیات آنها را شکل می‌داد. به علاوه شرایط همه‌جانبه طبیعی و جغرافیایی جزیره کار کنترل و اعمال محدودیت بر آنها توسط مأموران امنیتی را آسان کرده بود.

با این حال، نتایج تحقیق نشان می‌دهد تبعیدیان با ایجاد یک جامعه کوچک بر مبنای مشارکت همگانی و تقسیم کار، شرایط تبعید را برای خود هموار ساخته بودند. بر این اساس نیازهای زیستی شامل تغذیه، بهداشت و... توسط خود و اندک ارتباطشان با بومیان خارک مهیا می‌شد. وجود تخصص‌های مختلف در میان تبعیدیان و نیاز بومیان باعث شکل‌گیری رابطه میان آنها و بومیان شده بود.

همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهند دورنمایی از تفکرات آنها مبتنی بر اندیشه‌های حزب توده در حیات اجتماعی آنها موجود بود. این پدیده چه در کنش نمادین تبعیدیان در قالب‌های فرهنگی و چه در اجرا و پیاده‌سازی بخشی از مرام فکری خود در حیات اجتماعی قابل‌پیگیری است. آنها توانسته بودند مبتنی بر همین چارچوب ضمن حفاظت از خویش بعد اندیشگی خود را نیز حفظ نمایند. بدیهی است بنابر کنترل سخت نظامی بر آنها در محیط محدود جزیره خارک، دریافت‌هایی بیشتر در این زمینه برای پژوهش مقدور نبود. با این همه، ترس بارزترین احساس و دریافت مشترک تبعیدیان در محیط جزیره خارک بود؛ ترس از شرایط آب و هوایی، شرایط غذایی و بهداشتی و در نتیجه ترس از مرگ در جزیره‌ای دورافتاده و بی‌آب‌و‌علف همراه ترس از شکنجه و تهدید نیروهای امنیتی جزیره شاکله اصلی حیات اجتماعی این گروه تبعیدی بود.

کتابنامه

الف) اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ش. بازیابی: ۹۸۲۹۳۶۷۹۹، ۲۹۳۰۰۶۱۷۹۰۲۲۷، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۰۶، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۳، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۴، ۲۹۳۰۰۶۱۷۹۰۲۹۱، ۲۹۳۰۰۶۱۷۹۰۲۳۷، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۲۰، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۲۱، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۲۳، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۶، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۱۸، ۳۱۰۱۶۰۸۸۰۰۴۳، ۲۴۰۱۴۶۵۰، ۲۹۳۰۳۲۴۳۶، ۲۴۰۰۱۶۵۹۷، ۳۲۴۵۴۲۹۳، ۲۴۰۳۹۵۲۲، ۲۳۰۲۹۸۶۴، ۲۹۴۰۰۰۱۰۰۱۱۶۱، ۲۳۰۰۰۷۴۷۰۰۰۰۴.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، ش. بازیابی: ۶۳۲۸۷۳، ۶۳۲۸۷۶، ۶۳۲۸۷۷، ۶۳۲۸۵۱، ۶۳۲۸۵۹، ۶۳۲۸۴۹، ۶۳۲۸۵۰، ۶۳۲۸۶۵، ۶۳۲۸۴۸، ۶۳۲۸۶۹، ۶۳۲۸۷۸، ۶۳۲۸۷۹، ۶۳۲۸۶۶، ۶۳۲۸۷۰، ۰۲۱۶۸۶۷۰۰۰۳، ۶۲۸۵۲.

کتاب چاپ در ایران: تشکیلات تهران حزب توده به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲.

ب) کتاب

آل احمد، جلال، جزیره خارک در یتیم خلیج فارس، تهران: مجید، ۱۳۸۶.
ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۲۰ ق.
احسانی، علی اصغر، خاطرات ما از قیام افسران خراسان، تهران: نشر علمی، ۱۳۷۸.
احمدی، حمید، خاطراتی از سازمان افسران حزب توده ایران (مرتضی زربخت)، تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.

افریقی مصری، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ ق.
امانی، عبدالله، از آراکیا تا خارک (تاریخ، فرهنگ، زبان و... جزیره خارک)، شهرداری جزیره خارک، ۱۳۸۴.

۱۸۲ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

خسروی، خسرو، جزیره خارک در دوره استیلای نفت، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۲.

خسروپناه، محمدحسین، سازمان افسران حزب توده ایران، تهران: شیرازه، ۱۳۷۷.
روح‌بخش‌اله آباد، رحیم، اسناد و خاطرات شیخ مصطفی رهنما، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.

شیمپان، کلاوس، مبانی تاریخ پارتیان، هوشنگ صادقی، تهران: فروزان روز، ۱۳۹۰.
صداقت پیشه، میهن، تبعیدگاه خارک «یادداشت‌های ابوالقاسم انجوی شیرازی»، تهران: چاو، ۱۳۹۴.

عمویی، محمدعلی، دُرد زمانه، تهران: آزان، ۱۳۷۷.
فلور، ویلم، خلیج فارس داستان ناگفته‌های جزیره خارک، الناز بلوری فرد و محسن شریف‌نژاد، تهران: نگاه، ۱۳۹۹.

کرمیان، مسعود، خاطرات شیخ مصطفی رهنما، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۳.

کشاوری، کریم، چهارده ماه در خارک، تهران: پیام، ۱۳۶۳.

کیانوری، نورالدین، خاطرات نورالدین کیانوری، تهران: موسسه اطلاعات، ۱۳۷۱.

کی مرام، منوچهر، رفقای بالا، بی‌جا: شباویز، ۱۳۷۴.

لطفی، یعقوب، مبارزه در تبعید: خارک جزیره سوزان، تهران: موزه عبرت، ۱۳۹۲.

محمیایی، ابراهیم، گمراهی سر منزل عنقا، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۱.

مژده، جمات، الخاری و الخواری، بندر گناوه: دریانورد، ۱۴۰۰.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سرنوشت یاران مصدق، تهران: نشر علمی، ۱۳۸۳.

(ج) مقاله

بررسی چالش‌ها و تکاپوهای تبعیدیان حزب توده ایران در جزیره خارک..... ۱۸۳

ثواقب، جهانبخش و احمد لعبت فرد و پروین رستمی، «تأثیرات جمعیتی صنعت نفت در جزیره خارک و پیامدهای آن (۱۳۳۶-۱۳۵۶ ش / ۱۹۵۷-۱۹۷۷ م)»، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی س ۱۰، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۲۳-۱۴۶.

سادات بیدگلی، سید محمود، «تبعیدیان حزب توده (گروه‌های اجتماعی، تبعیدگاه‌ها با تأکید بر تحلیل تأثیر کیفر تبعید بر کنش سیاسی آنان (۱۳۲۰-۱۳۳۲ ش)»، مجله جستارهای تاریخی، س ۱۳، ش ۱، اردیبهشت ۱۴۰۱، صص ۱۸۱-۲۰۴.

سادات بیدگلی، سید محمود، «تحلیل مؤلفه‌های تبعید مخالفان سیاسی در دوره پهلوی اول (تبعیدی، تبعیدگاه، علت تبعید)»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۷، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۱۱ - ۱۳۴.

سعادت‌مند، مرضیه، الهیاری، حسن و اسدپور، حمید، «انتخاب جزیره خارک به‌عنوان تبعیدگاه در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش»، فصلنامه گنجینه اسناد، س ۳۱، ش ۲، تیرماه ۱۴۰۰، صص ۶-۳۲.

پ) پایان‌نامه

سادات، سید محمود، واکاوی تبعید در دوره پهلوی اول از دیدگاه تاریخ محلی (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ ش)، پایان‌نامه دکتری، اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۲.

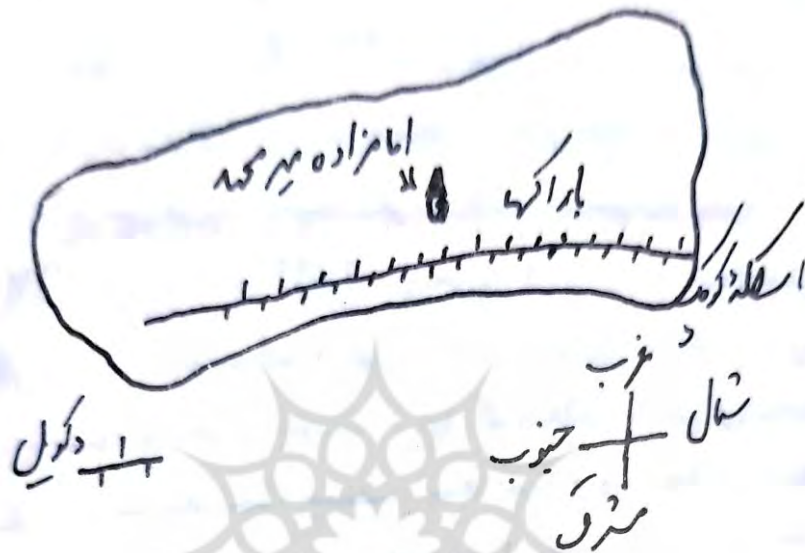
ت) مصاحبه‌ها

فرخنده محمدی (مصاحبه‌شونده)، ساکن جزیره خارک، مرضیه سعادت‌مند (مصاحبه‌گر)، ۱۳۹۸/۲/۱۳، منزل شخصی چنگیز اصلانی.

مهدی اصلانی (مصاحبه‌شونده)، ساکن جزیره خارک، مرضیه سعادت‌مند (مصاحبه‌گر)، ۱۳۹۸/۲/۱۳، منزل شخصی چنگیز اصلانی.

جمات مژده (مصاحبه‌شونده)، ساکن جزیره خارک، مرضیه سعادت‌مند (مصاحبه‌گر)، ۱۳۹۸/۲/۱۲، منزل شخصی آقای مژده.

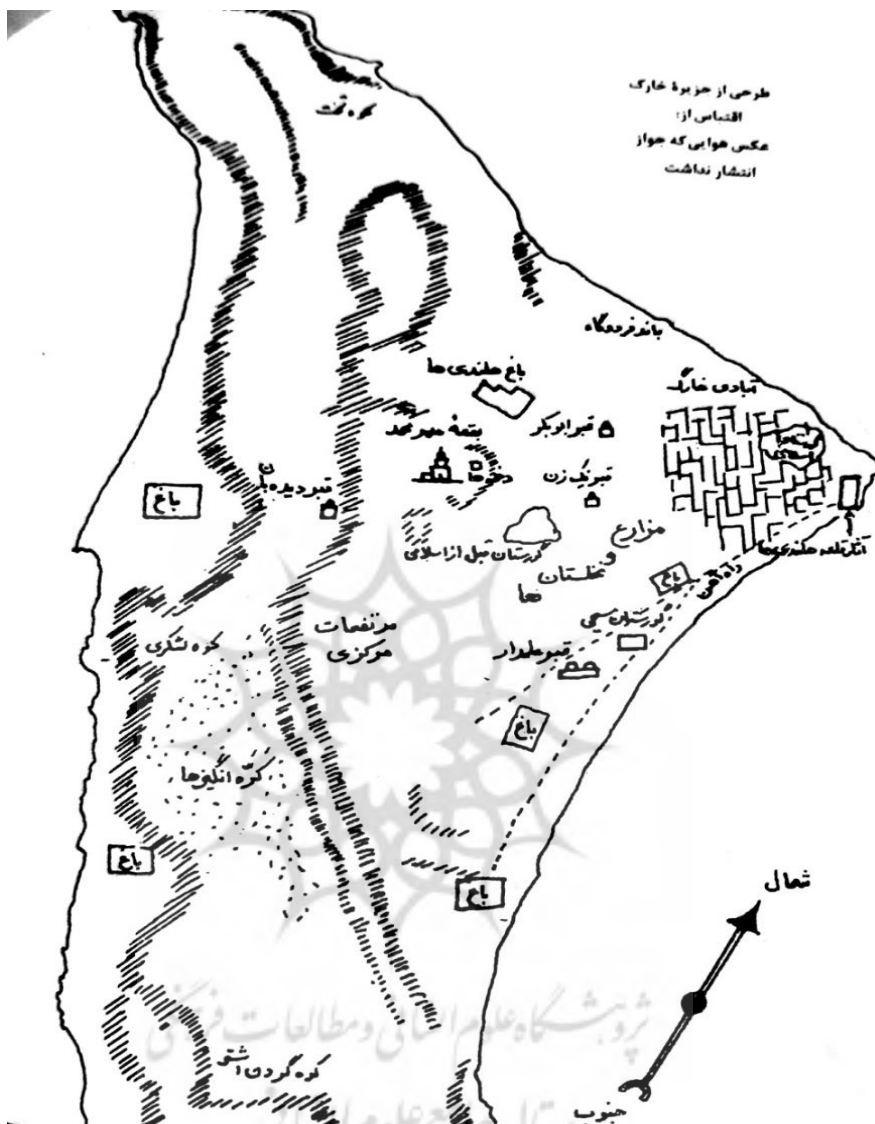
خلف مژده (مصاحبه شونده)، ساکن جزیره خارک، مرضیه سعادت‌مند (مصاحبه گر)، ۱۳۹۸/۲/۱۲،
منزل شخصی آقای مژده.



نقشه شماره (۱): نقشه محل استقرار تبعیدیان، بر گرفته از کتاب چهارده ماه در خارک از کریم

کشاوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه شماره (۲): جزیره خارک در سال ۱۳۳۷، برگرفته از کتاب دُر یتیم خلیج فارس از جلال آل احمد